

تأملی در کتاب اسناد پادریان کرملی، بازمانده از عصر شاه عباس صفوی

نصرالله پورمحمدی املشی*

چکیده

در این مقاله، نخست به مقدمه دکتر منوچهر ستوده بر اسناد پادریان کرملی نظر شده و توضیحات و نظرات وی در باره اهداف اروپایی‌ها مبنی بر تغییر مسیر تجارت ابریشم از قلمرو عثمانی‌ها و مفهوم «دیم پایا» مورد تأمل قرار گرفته است، و در ادامه، بر جسته‌ترین مطالب کتاب بررسی شده که عبارتند از: معرفتی پادریان، روش و منش زندگی آنها جهت اطلاع دربار ایران، دعوت ایران به جنگ با عثمانی، آگاه شدن به نقش «پادری جوان» در سیاست خارجی ایران عصر شاه عباس، مسیرهای تجاری و تجارت ابریشم، سیاست خارجی ایران عصر شاه عباسی، مسیرهای تجاری و تجارت ابریشم، سیاست خارجی شاه عباس، ناخرسندی شاه عباس از موضع‌گیری دولت‌های اروپایی در مقابل عثمانی به ویژه پادشاه مجار، ارسال خلیفه برای آرامنه اوج کلیسای ایروان، و ساختن کلیسا در دریند.

کلید واژه: اسناد پادریان کرملی، اهداف اروپایی‌ها، پادریان، شاه عباس صفوی، تجارت ابریشم.

کتاب اسناد پادریان کرملی به کوشش دکتر منوچهر ستوده و با همکاری استاد ایرج افشار توسط نشر میراث مکتوب منتشر شده است. کتاب دارای ۳۲۸ صفحه است که مقدمه مصحح و یادداشت استاد افشار را نیز باید بر آن افزود. در قسمت پیوست علاوه

*. دانشجوی دوره دکتری تاریخ.

بر تصویر صفحه اول و صفحه آخر متن دو مورد تکمیلی این مجموعه نیز آمده است یکی «فهرست مجموعه‌ای که آنجلو پیه مونتسه به ایتالیایی نوشته»، و دیگری «چند سند چاپ نشده درباره امتیازهایی که شاهان صفوی برای مبلغان کاتولیک قائل شدند، نوشته فرانسویس ریشارد».

در بخش فهرست نام‌های خاص اشخاص، مکان‌های جغرافیایی و طوایف، ماه‌های مسیحی و ترتیب تاریخی نامه‌ها را نیز در ۲۸ صفحه ارائه داده است. این کتب از روی جلد سوم نسخه خطی شماره ۴۸۳۶ نسخه‌های خطی دانشگاه تهران بازنویسی شده است. مصحح در مقدمه آورده است که:

نسخه اصلی به نام منشآت عصر صفوی است و شامل صد و شصت و دو نامه می‌باشد که توسط پاپ و سلاطین اروپا ارسال گردیده و یا فرامین و نامه‌هایی است که از طرف شاه عباس در جواب آنها و یا در ارتباط با نامه‌های ارسالی نوشته شده است. در قسمت دوم استاد ایرج افشار درباره چگونگی تهیه میکرو فیلم این نسخه خطی و دیگر اسناد مرتبط با موضوع اطلاعات سودمندی ارائه کرده است. او درباره اهمیت کتاب می‌گوید:

اهمیت این کتاب مشخص است. زیرا اگر این مدارک دستیاب نشده بود حتی از راه سفرنامه‌های اروپائیان هم ممکن نبود که نسبت به این روابط میان صفویان و مسیحیان تا این اندازه به جزئیات دسترسی بیابیم.

علاوه بر این استاد افشار در یک نگاه اجمالی به سابقه پژوهش و انتشار اسناد پیرامون فعالیت پادریان کرملی در ایران پرداخته است.

مصحح در مقدمه نکات برجسته نامه‌ها را با ذکر صفحه آورده است تا اهداف پادریان کرملی و پادشاه اسپانیا و سیاست‌گذاری شاه عباس در مقابله با مقاصد اروپایی‌ها را نشان دهد. اما به نظر می‌رسد توضیحات دکتر ستوده در بعضی موارد جای تامل دارد از جمله آنها عبارت است از:

- مصحح کوشیده است با بیان مطالبی از نامه‌ها نشان دهد که از جمله اهداف اروپایی‌ها تغییر مسیر تجارت ابریشم از قلمرو عثمانی برای ضربه زدن به اقتصاد تجاری عثمانی بود. و در ادامه توضیح داده است: «و از بندر هرمز از راه دریای سرخ به اروپا می‌رسانند تا از بابت ترانزیت نفعی به ترکان نرسد».

اما بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد که در سال ۹۲۳ ه.ق / ۱۵۱۷ م. سپاه سلطان سلیم پس از شکست سپاه ممالیک وارد قاهره شد و مصر و شام بعد از این ضمیمه خاک عثمانی گشت. در سال ۹۶۲ ق نیز عثمانی بر یمن تسلط یافت و یمن به عنوان پایگاه نظامی برای دفاع از دریای سرخ درآمد بطوری که فقط کشتی‌های مسلمان می‌توانستند در دریای سرخ رفت و آمد داشته باشند.^۱ بنابراین اروپایی‌ها اگر خواستار تغییر مسیر ابریشم بودند آنان می‌خواستند که ابریشم را از طریق بندر هرمز و راه آبی جنوب آفریقا به اروپا صادر نمایند نه از طریق دریای سرخ؛ زیرا در این حالت نیز می‌باید به حکام عثمانی حق ترانزیت می‌پرداختند.

- در مقدمه، در توضیح «ریم پاپا» آورده است «پیر و مرشد پادریان»؛ در یک نگاه کلی می‌توان دریافت که چنین توضیحی بر مبنای میدان معنایی فرهنگ ایرانی و در حوزه دین اسلام ارائه شده است نه در قلمرو فرهنگ مسیحیت. در حالیکه روانشاد دکتر عبدالحسین نوایی سالها قبل در توضیح «ریم پاپا» آورده است:

پاپا همان پاپ است و ریم تلفظ ترکی معمول زمان از رم پایتخت ایتالای فعلی و مقر پاپ‌ها می‌باشد.^۲

- انتظار دیگری که از مصحح متن برای هر خواننده ایجاد می‌شود، اصلاح اشتباهات مستنسخ است به ویژه زمانی که مصحح دکتر منوچهر ستوده، محقق آشنا برای همه علاقمندان به تاریخ باشد توقع خواننده بیشتر می‌گردد؛ ولی در این کتاب بعضی از تاریخ‌های عناوین نامه با تاریخ پایان نامه همخوانی ندارد و مصحح ارجمند نه اشتباهات را اصلاح کرده است و نه توضیحی در باب این عدم مطابقت تاریخ مکتوبات ارائه نموده است. از جمله آنها عبارتند:

۱. «کتابت دوم از حضرت کلیمت هشتمین به نواب اشرف [؟] در تاریخ شهر دیجمره سنه ۱۶۰۷ و از عربیه شهر رمضان المبارک سنه ۱۰۱۶ هزار و شانزده هجریه»، پایان نامه: «در تاریخ شهر اکتوبری سنه هزار و سیصد و چهار». و همین طور نامه‌های ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۸، ۹ از همین اشتباهه برخوردارند. آنچه که در عنوان نامه اول بود و در این نامه‌ها لازم بود توسط مصحح در گوشه آورده شود چنانکه در بالا، جای آن با علامت سؤال مشخص شده است این عبارت بود: [که پادریان کرملیان در مرتبه اول که نواب اشرف پادری مذکور را طلبیده بود در دارالسلطنه اصفهان].

۲. اما در عنوان نامه ۲۸ آمده است: «... و رسید به نواب اشرف در تاریخ شهر خانپو

سنه هزار و سیصد و هشت و از عربیه شهر ربیع الاول سنه هزار و نوزده» در حالیکه تاریخ نوشتن نامه یک سال بعد از این آمده است: «این دو کلمه به خدمت بندگان همایون نوشته شد در ساعت قوس که برج هفتم بوده باشد در سال هزار و سیصد و نه...». و همین تفاوت در نامه‌های ۱۷، ۱۸، ۱۹، و ۲۰ مشاهده می‌شود.

علاوه بر اینها مصحح توضیحاتی درباره خط و زبان نامه‌ها و چگونگی بیان آنها در دربار ایران با استفاده از متن نامه‌ها ارائه کرده است.

با اغماض از مشکلات فوق می‌توان گفت این کتاب از جهات گوناگون برای محقق تاریخ و خوانندگان تاریخ ایران مفید است؛ بطوری‌که الهام‌بخش سرآغاز بسیاری از تحقیقات جدید و مکمل تحقیقات گذشته باشد زیرا اطلاعاتی درباره تاریخ ایران عصر صفوی ارائه می‌دهد که نوعاً در تواریخ فارسی و حتی سفرنامه‌ها نمی‌توان به آنها دست یافت. برجسته‌ترین مطالب این کتاب عبارت است از:

معرفی پادریان، روش و منش زندگی آنها جهت اطلاع دربار ایران

هدف نامه دوم که از طرف کلمنت هشتم ارسال شده است در واقع پادریان را برای دربار معرفی می‌کند. در این نامه بطور اجمال درباره روش زندگی، طریقه غذا خوردن، لباس پوشیدن و اموال و دارائی پادریان اطلاعاتی به دربار و پادشاه ایران ارائه شده است تا درباریان به پادریان به دیده حقارت ننگرند. در بخشی از نامه در توضیح نام این گروه آمده است:

از مال دنیایی به روش امراشان گذرانیدن در جماعت ایشان به اسم مال خاصه ندارند و رزق هر روزی به چیز دیگر از باب خرجی کلیسا به غیر که ضرورست از کرم وقف خرج می‌نمایند و پابرهنه به نعلین داشتن رسولان حضرت عیسی صاحب ما می‌گردند و از این سبب پابرهنه خوانده می‌شوند.^۳

بنظر می‌رسد پادریان با یک هدف برنامه‌ریزی شده و با حمایت چندین کشور اروپایی به ایران آمدند و معرفی نامه یا بهتر بگوییم توصیه نامه چند تن از سلاطین اروپا و مقامات مذهبی را به همراه داشتند. نامه‌های ۳ تا ۹ علاوه بر دعوت ایران به جنگ با عثمانی نوعی معرفی پادریان و حمایت از سفارت مذهبی و سیاسی آنها نیز محسوب می‌شود.

دعوت ایران به جنگ با عثمانی

بیشتر نامه‌هایی که از کشورهای اروپایی برای دربار ایران و یا از ایران برای سلاطین اروپا و پاپ فرستاده شده است در واقع نوعی درخواست جنگ مشترک و همزمان ایران و اروپا علیه عثمانی است. البته چنانکه از تاریخ نامه‌ها برمی‌آید و همچنین در متن نامه‌ها آمده است آمد و شد سفرای اروپایی به دربار ایران زمانی رونق بیشتری یافته است که شاه عباس با ابتکار عمل و تحرکات نظامی بموقع و درست توانسته است تبریز را از اشغال متجاوزان عثمانی خارج سازد و شهرت نظامی او عالمگیر شده است. برای نمونه در نامه هفت آمده است:

چون آوازه بزرگی و جهانگیری و رفعت و عدالت نواب بر جمیع الکه فرنگیه انشمار یافته بود این جانب را این مقدار دوستی و محبت به هم رسید که ذوق آن شد که به پایه سریر اعلام مشرف شود.^۴

در نامه‌های ۱۲، ۱۳ و ۱۴، شاه عباس ضمن اعلام آمادگی برای حمله به عثمانی از آن‌ها می‌خواهد که همزمان از دو جهت به عثمانی حمله برند تا عثمانی‌ها نتوانند تدابیر لازم برای مقابله را فراهم سازند.^۵

در نامه ۳۲ شاه عباس در صدد است که آنها را به جنگ با عثمانی ترغیب نماید. این نامه که در سال ۱۰۱۹ ق نوشته شده است می‌گوید:

اما توقع چنان است که عالی جناب در دفع جماعت تقصیر ننمایند. چرا که از هر دو طرف با روم محاربه نمودن بسیار فایده می‌بخشد و از هر راه که دانند که صرف در آن است و دشمن را پایمال توانند کرد روانه شوند.^۶

ایران علاوه بر اعلام آمادگی برای حمله مشترک با عثمانی تقاضای ارسال متخصصان و نظامیان آشنا به فنون جنگ از دول اروپایی را دارد.^۷ البته این سیاست را شاه عباس تا زمانی که در جنگ با عثمانی است در پیش می‌گیرد ولی از زمانی که با عثمانی روش تسامح را در پیش گرفت عدم همکاری اروپایی‌ها را دلیلی بر سیاست واقع‌بینانه خود مطرح می‌نماید.

آگاه شدن به نقش «پادری جوان» در سیاست خارجی ایران عصر شاه عباس شناختن شخصیت‌هایی که در روابط خارجی ایران با کشورهای اروپایی نقش مهمی ایفاء کرده‌اند خود نوعی آگاه شدن از تاریخ این مرز و بوم است. از جمله این افراد

پادری جوان است که غالباً نقش نمایندگی سلاطین فرنگ به ویژه اسپانیا را در اصفهان ایفاء می‌کرد. البته در ابتداء از شاه عباس تقاضای ایجاد کنسولی در ایران را داشت و ضرورت ایجاد آن را چنین آورده است:

دیگر به عرض می‌رساند که در اصفهان هر طایفه و مردمی که هستند حاکمی از خود دارند و این فقیر را کاری و مهمی که پیش آید به خدمت وزیر می‌رویم جواب می‌گوید که شما مهمانید ما را کاری نیست. در پیش داروغه می‌رویم جواب می‌گوید که ما ترک دنیا نموده‌ایم. التماس چنان است که همچنان که در حلب جماعت فرنگیان قنصول دارند به معنی حاکم، نواب شفقت کند که فقیر شخصی را معین نمایم از مردم خود که به معاملات برسد یا آن‌که بر حضرت ریم پاپا عرض نمایم تا شخص بزرگ نیکوکردار را به واسطه ما روانه در گاه نماید.^۸

اما شاه عباس به این درخواست پادری جواب مشخصی نداده است و پادری به ناچار هم نقش مذهبی را دنبال می‌کرد و هم به امور سیاسی می‌پرداخت.

با دقت به عناوین نامه‌ها می‌توان به اهمیت فعالیت پادری جوان در مناسبات شاه عباس با سلاطین فرنگ به ویژه پادشاه اسپانیا پی برد. از جمله این عناوین عبارتند از: -ضامن شدن پادری جوان در باب چهار نفر پرتکس.

- عرضه داشت پادری جوان به نواب کامیاب اشرف در باب جواب پادشاه

اسپانیا به مدعیات بیک‌زاده.

- عرضه داشت پادری جوان به نواب اشرف در باب آمدن قاصد دان لبرتو

شیرلی از اسپانیه...^۹

علاوه بر این پادری جوان نقش مترجم را در دربار ایران ایفاء می‌نمود ضمن آنکه از فحوای نامه چنین برمی‌آید. گروهی دیگر در حدود سال‌های ۱۶۱۸ م در دربار ایران با پادری جوان رقابت می‌کردند و یا در رقابت با پادشاه اسپانیا اعمال سیاست می‌نمودند و پادری در بخشی از نامه خویش به این موضوع اشاره کرده است:

اگر نواب اشرف میل دارد که حرف راست بشنود بنده را طلب نمایند تا آنچه

راستی‌ها است به عرض رسانند. و اگر میل دروغ دارد، جماعت دیگر هستند و باز

مکاتبات بیک‌زاده را سوای بنده احدی دیگر نمی‌تواند سر بیرون آورد.^{۱۰}

شیرلی نیز در نامه خود به شاه عباس به این موضوع اشاره نموده و می‌گوید:

از این سبب احوالات خود را به فارسی به خدمت نفرستادم چرا که راه‌ها ناامن

است و مبادا مدعیات نواب به دست دشمنان افتد و موجب ملال بوده باشد. به زبانی

فرنگی مکتوب را نوشته که چون عمده‌المسیحیه پادری جوان در خدمت اشرف نهایت اعتماد دارد او را فارسی نموده به عرض اشرف برساند. التماس چنان است که چون مکتوب برسد و پادری جوان حاضر نباشد امر نمایند که حاضر شده مدعیات را به عرض رساند، چرا که هم کلی است و در این باب مجال تغافل نیست و بزودی جواب اعلام گرداند.^{۱۱}

مسیرهای تجاری و تجارت ابریشم

چنانکه می‌دانیم شاه عباس در اواخر سده شانزدهم و اوایل سده هفدهم بر مسند حکومت ایران بود. سال‌های اول حکومت شاه عباس صرف نظام بخشیدن به مشکلات داخلی شد. و از سال ۱۰۱۱ ق در جهت تصرف سرزمین‌های از دست رفته شمال غرب کوشش نمود. پیروزی شاه ایران در جنگ با عثمانی و تصرف مناطق شمال غربی ایران سبب شد دول اروپایی به حکومت ایران توجه بیشتری نمایند و در همین راستا تلاش می‌کردند به جنگ‌های ایران و عثمانی بیشتر دامن بزنند تا از فشار عثمانی در اروپا کاسته شود. از طرف دیگر می‌دانیم که از سال‌های اول سده هفده فعالیت اقتصادی کشورهای اروپایی در مشرق زمین بیشتر در شکل شرکت‌های تجاری ظاهر شدند - شرکت هند شرقی هلند در سال ۱۰۱۱ ه. ق / ۱۶۰۲ م. و شرکت هند شرقی انگلیس در سال ۱۰۲۱ ه. ق / ۱۶۱۲ م. - با توجه به درخواست‌های کشورهای اروپایی در نامه‌های خود، پادشاه ایران دریافته بود که موضوع تجارت و مسیر صدور کالا می‌تواند نقش اساسی در رشد اقتصادی و روابط خارجی کشورها ایفاء نماید. اما سیاست تجاری شاه عباس همانند سیاست خارجی بر مبنای منطق موقعیت انعطاف‌پذیر بود. این ادعا فقط یک لفاظی نیست بلکه با نامه‌های موجود همخوانی دارد. یعنی زمانی که در تلاش است عثمانی را در تنگنا قرار دهد سعی دارد مسیر تجاری را از قلمرو عثمانی به طرف شمال و مسیر دریایی جنوب آفریقا سوق دهد ولی زمانی که با عثمانی به توافق رسیده است با قدرت در باب فروش و صدور ابریشم با اسپانیا صحبت می‌کند. در ذیل به نکاتی در این باره اشاره می‌شود.

زمانی که حاکم ناپلی و شرلی در نامه‌های خود از پادشاه ایران می‌خواهند تا تجار ایران برای صدور ابریشم و خرید کالاهای دیگر به حلب نروند و از طریق این بندر داد و ستد نکنند:

اولاً در باب ابریشم چنین مقرر شد که سودای ابریشم در هرمز بشود. چرا که مردم فرنگ هر ساله زر بسیار و یراق‌های کلی از آلت حرب به الکای روم می‌برند و سودا می‌نمایند و حال آنکه معامله ایشان برطرف می‌شود، هر دو جانبه دشمن زیاده می‌شود و پادشاه اسپانیه حکمی به کپتان هرمز فرستاده که از مردم عجم که رعیت بندگان نواب‌اند ابریشم به هرمز آورند عزت و حرمت بدارد و خرجی که واقع شود زیاده نگیرند و قرار یافت که سودای ابریشم در هرمز شود.^{۱۲}

شاه عباس تحقق درخواست فوق را به شرایط تجاری در هرمز مشروط می‌کند و در جواب نامه می‌گوید: حکمران هرمز باید با بازرگانان رفتار نیک داشته باشد و خرج اضافی نگیرد تا سبب رنجش تجار نگردد. چون اگر تجار ببینند هزینه تجارت در هرمز کمتر است و سود بیشتری نصیب آنها خواهد شد، در این صورت، کالاهای خود را به هرمز خواهند آورد.^{۱۳}

بنابر این شاه عباس می‌دانست که برای تضعیف عثمانی، علاوه بر حمایت نظامی، لازم است توان اقتصادی این کشور نیز تضعیف گردد. او برای رسیدن به این هدف در صدد بی‌رونق نمودن بنادر عثمانی بود و به سفیر انگلیس پیشنهاد کرد، حاضر است همه ساله در ماه ژانویه، ده هزار عدل ابریشم در جزیره هرمز به تجار انگلیس تحویل دهد تا در مقابل قیمت آن، ماهوت انگلیسی بگیرد و به تاتارها و اعراب و آرامنه و مردم روسیه بفروشد، مشروط بر آنکه بازرگانان انگلیس قول دهند با ترکان تجارت نکنند زیرا سلطان عثمانی از عوارض تجارت خارجی سود فراوان می‌برد و تجارت با ترکان مثل آن است که انسان خار بسازد تا در چشم خود فرو برد یا شمشیر دشمن را برای بریدن سر خود تیز کند.^{۱۴}

از آنجایی که تجار ایرانی بیشتر از طریق زمینی به تجارت می‌پرداختند و شاه عباس هم تجربه ناموفقی از تجارت از طریق دریای هند و جنوب آفریقا داشت که ابریشم شاه را به عنوان پیشکش به پادشاه اسپانیا تقدیم کردند، پادشاه ایران ترجیح می‌داد که راه زمینی دیگری جایگزین مسیر زمینی عثمانی گردد. از این رو در نامه خود به ریم پایا، علاوه بر اظهار موذت و دوستی پیشنهاد می‌کند تا تجار به جای مسیر ترکیه از قلمرو روسیه رفت و آمد نمایند:

چون تجار و سوداگران ایشان از راه اُروس بدین ولایت تردد می‌توانند کرد امر فرمایند که تجار و سوداگران فرنگیه از راه اروس بدین ولایت آمد و شد نمایند که نفع و فایده ایشان را مردم ترک نبرند.^{۱۵}

شاه عباس در نامه دیگری از پادشاه روس نیز می‌خواهد تا مسیر تجاری روسیه را مفتوح نگهدارد^{۱۶} و بر اینکه زمینه تحقق این پیشنهاد را فراهم نماید در نامه‌ای از خان آستراخان می‌خواهد تا مسیر تجاری شمال را برای تردد بازرگانان ایران و اروپا مساعد نماید و از خان مزبور می‌خواهد که هر جا می‌خواهد قلعه بسازد و یا قلاع قبلی را تعمیر نماید. و بر اینکه آرامنه و تجار اروپایی را برای استفاده از این راه تجاری سوق دهد به درخواست پادریان فرمانی صادر می‌کند تا در دریند کلیسا درست کنند.^{۱۷}

سیاست و روابطی که شاه عباس با بعضی از دول اروپایی ایجاد کرده بود، سبب شده بود تا تجار ارمنی عثمانی نیز برای پیشبرد اهداف تجاری، خود را تبعه ایران معرفی می‌کردند و گراندوک فلورانس از پادشاه ایران می‌خواهد که من بعد تجار ارمنی ایران نشانی از نواب داشته باشند تا تجار عثمانی نتوانند سوء استفاده نمایند.^{۱۸}

علاوه بر این گراندوک فلورانس پیشنهاد کرده بود که مبنای آبادانی عثمانی از قلمرو ایران است زیرا تجار، کالا را از هند به قلمرو ایران می‌آورند و از ایران به قلمرو هند می‌رود و سبب روی آوردن تجار اروپایی به عثمانی می‌گردد. اگر پادشاه ایران اجازه ندهد که کالا از قلمرو عثمانی صادر شود در این صورت تجار اروپایی با عثمانی داد و ستد نخواهند داشت.^{۱۹} در همین راستا است که رابرت شرلی از شاه عباس می‌خواهد تا اتباع انگلیسی را از ایران بیرون نماید چون انگلیسی‌ها با عثمانی روابط دوستانه دارند و هرگز راه دریای سرخ توسط انگلیسی‌ها مسدود نخواهد شد در حالیکه اسپانیا با عثمانی غالباً در حال جنگ است.^{۲۰} پادشاه اسپانیا نیز در جواب درخواست‌های رابرت شرلی می‌گوید:

و سال گذشته لشکر این جانب کشتی بسیار از رومی از دریای سرخ گرفتند. و همچنین مذکور شد که رضای نواب همایون در این است که از راه دریای سرخ کسی به الکه خواندگار نرود. انشاء الله امداد نموده آن راه را مسدود نموده تا من بعد تردد نشود.^{۲۱}

سیاست خارجی شاه عباس

یکی از عوامل موفقیت شاه عباس در برابر عثمانی داشتن ابتکار عمل و اتخاذ سیاست درست بود که بر مبنای منافع کشورش و واقعیت‌های شناخته شده رایج در عرصه روابط کشورهای موجود و سیاست پادشاهان و امپراتوران وقت قرار داشت یعنی شاه عباس ضمن آنکه کوشش می‌کرد از دشمنی کشورهای اروپایی علیه عثمانی استفاده نماید، درصدد بود تا خود را درگیر تضاد بین کشورهای اروپایی ننماید. زمانی که دانکر سپاه ایلچی اسپانیا در نامه خود از ورود انگلیسی‌ها به ایران شکوه می‌نماید و آنان را به راهزنی متهم می‌کند و استدلال می‌کند که این عمل شاه عباس می‌تواند موجب رنجش میان دو پادشاه ایران و اسپانیا شود، شاه عباس در پاسخ می‌گوید:

... بر ما ظاهر است که ایشان حرامیند اما از جانب پادشاه خود بدین دیار آمده‌اند و مهمانند. معقول نیست که ایشان را از الکه خود اخراج نمائیم. چرا که راه گشاد است و منع نمی‌توان کرد و در الکه پادشاه می‌باید که همه طایفه تردد نمایند. و باز میانه ما و رومی همیشه نزاع است. هر گاه سوداگران رومی به دیار ما آیند منع ایشان نمی‌توان نمود و بر ما ظاهر است که چند طایفه از غیر ملت در این الکه تردد دارند و این جانب راضیم که هر طایفه که باشد درین الکه تردد و آمد و شد نمایند.

اما پادشاه اسپانیه مدت مدید است که اقرار نموده که محاربه با روم نماید و از آن تاریخ تا حال اثری ظاهر نشد و از این واسطه چندان منت بر من ندارد که انگلیس را از الکه خود بیرون کنم و باز انگلیس از الکه و دیار او می‌گذرند و به الکه ما می‌آیند. می‌باید که خود دفع آن جماعت بکند تا به الکه ما تردد نمایند.^{۲۲}

گزارش کتاب درباره نشست شاه عباس با پادریان و گروهی انگلیسی بسیار حائز اهمیت است. این نشست ضمن آنکه نشان می‌دهد شاه عباس علاقه به جنگ با عثمانی ندارد، با ذکاوت کوشش دارد تا گفتگو را از مسائل سیاسی به مسائل دینی سوق دهد و از طرف دیگر کوشش می‌کند که با درگیر کردن انگلیسی‌ها با پادریان کرملی موضوع بحث را از قلمرو سیاسی به حوزه مذهب بکشاند؛ هر چند پادریان بر این بوده‌اند تا در گزارش خود، درستی گفتار و صحت مطالب خویش را ثابت کنند. هدف نویسنده هر چه باشد پیام متن از نظر خواننده‌های متفاوت می‌تواند گوناگون باشد.^{۲۳}

ناخرسندی شاه عباس از موضعگیری دول اروپایی در مقابل عثمانی بویژه صلح پادشاه مجار

شاه عباس از عدم محاربه دول اروپایی با امپراتوری عثمانی ناراضی بود و همواره از آنها شکوه داشت. در نامه هفده می‌گوید:

... در این مدت اصلاً از جانب حضرات پادشاهان فرنگیه حرکتی نشد و در محاربه جماعت ترک مساهله تمام نمودند. وظیفه محب آن است که به دستور سابق شیوه مرضیه اتحاد و دوستی مرعی دانسته چنان فرمایند که همواره بین الجانبین طریق آمد و شد مرعی و مسلوک بوده باشد و حضرات سلاطین فرنگیه را ترغیب نمایند که برخلاف گذشته در محاربه جماعت ترک مساهله نمایند^{۲۴}

ارسال خلیفه برای آرامنه اوچ کلیسای ایروان

چنانکه در یکی از نامه‌های شاه عباس در این مورد آمده است:

اگر احیاناً حضرت ربم پایا اراده می‌نماید که در آن کلیسا خلیفه روانه کند یا رهبان و پادریان و هر کسی صلاح باشد برای نشستن کلیسا و خدمت نمودن و جمعی دیگر به واسطه زیارت مقرر می‌فرماییم که احدی مزاحمت به حال ایشان نرسانند.^{۲۵}

ساختن کلیسا در دربند

شاه عباس ضمن آنکه کوشش می‌کند مسیر تجاری ایران و اروپا را که از قلمرو عثمانی می‌گذشت تغییر دهد یکی از مسیرهای پیشنهادی برای تجارت با فرنگ راه شمال بود. برای تحقق این آرزو، پادشاه ایران بنا به درخواست پادریان فرمانی جهت ساختن کلیسا در دربند صادر می‌کند،^{۲۶} تا در مسیر مورد استفاده تجار مسیحی قرار گیرد به ویژه اینکه تجارت خارجی ایران در دست آرامنه بود و این تجار نیز از مسیر زمینی به فعالیت مشغول بودند، این کلیسا می‌توانست به عنوان محلی برای استراحت و اعمال مذهبی تجار مورد استفاده قرار گیرد. پادشاه اسپانیا نیز در مکتوبی به این موضوع اشاره داشته است:

می‌باید که تجار و متردین به هر طور آمد و شد نموده که از هیچ آفریده آزار به ایشان نخواهد رسید. می‌باید که از روی فراغ بال و مرفه الحال در آن منزل نزول و اقدام نموده به مذهب و کلیسا و دین خود عمل نمایند که احدی از غیر ذلک متعرض و مزاحم ایشان نمی‌شود.^{۲۷}

علاوه بر اینها، این کتاب درباره موضوعات زیر اطلاعات سودمندی بدست می‌دهد:
دفاع از حقوق شخصی مسیحیان فرنگی، صلح بین خان نواب (امام‌قلی خان) و
کپتان هرمز، برخورد آرامنه ایران با آرامنه فرنگی، مسیحی شدن چند نفر از مسلمانان و
برخورد شاه عباس با آنها.

پی‌نوشت‌ها:

۱. احمد یاقی، اسماعیل، دولت عثمانی از اقتدار تا انحلال، ترجمه رسول جعفریان، صص ۳۰ و ۳۳.
۲. شاه عباس، مجموعه اسناد و مکاتبات تاریخی همراه با یادداشتهای تفصیلی، به کوشش دکتر عبدالحسین نوائی، انتشارات زرین، ۱۳۶۷، ص ۲۷۳.
۳. اسناد پادریان کرملی، ص ۳۲.
۴. همان ص ۳۷ و همچنین بنگرید به ص ۳۳.
۵. همان صص ۴۵ - ۴۷.
۶. همان ص ۷۷.
۷. همان، ص ۴۳.
۸. همان، ص ۱۱۸.
۹. همان، صص ۱۴۵ - ۱۴۷.
۱۰. همان، ص ۱۴۹.
۱۱. همان، ص ۱۵۷.
۱۲. همان، ص ۵۶.
۱۳. همان، ص ۵۷، ۵۸ و ۶۰.
۱۴. فلسفی، نصرالله، سیاست خارجی ایران در دوره صفویه، سازمان کتابهای جیبی، تهران، ۱۳۴۲، ص ۲۳.
۱۵. اسناد پادریان کرملی، ص ۷۸.
۱۶. همان، ص ۸۰.
۱۷. همان، ص ۹۱.
۱۸. همان، ص ۱۶۴.
۱۹. همان، ص ۱۲۹.
۲۰. همان، ص ۱۵۵.
۲۱. همان، ص ۱۸۲.
۲۲. همان، ص ۱۸۷.
۲۳. همان، ص ۱۹۹ - ۲۱۵.
۲۴. همان، ص ۵۰.
۲۵. همان، ص ۷۵.
۲۶. همان، ص ۹۲.
۲۷. همان، ص ۹۵.